

تنهایی شیرین

علیرضا متولی ●●●

گاهی برای فرار از تنهایی به دوستان پناه می‌آوری و گاهی به سرگرمی‌ها و گاهی به گردش در خیابان‌ها و پارک‌ها می‌پردازی. اما یک کسی در این تنهایی تو هست که دور از تو نیست و در تنهایی تو وجود دارد. او می‌تواند این تنهایی را برایت شیرین کند.

می‌بینی که من از تنهایی حرف می‌زنم. چون می‌دانم برعکس تمام میل و رغبت تو برای بودن در میان دوستان، ساعتی هست که دوست داری تنها بمانی و برای خودت باشی.

این ساعت‌های تنهایی خیلی دل‌نشین هستند، به شرط اینکه بتوانی با او ارتباط برقرار کنی. چون فقط اوست که تو را قضاوت نمی‌کند. نصیحت نمی‌کند. از کارهایت ایراد نمی‌گیرد. صبور است و از آن گذشته، تکیه‌گاه محکمی

در شماره گذشته از تنهایی هم حرف زدم. می‌خواهم تنهایی بزرگی را به تو معرفی کنم که در آن تنهایی می‌توانی بهترین زندگی‌ها را داشته باشی. چون در این تنهایی بزرگ کسی هست که به‌عنوان بهترین یاور تو در همه جای زندگی‌ات خواهد بود. یعنی از ابتدا بوده است. الان هم هست و پس از این هم خواهد بود. او هست؛ چه بتوانی با او دیداری داشته باشی و چه نتوانی.

اما اگر بتوانی راه دوستی با او را بیاموزی، هرگز احساس تنهایی نخواهی کرد.

این را هم بگویم، این تنهایی نیست که آزاردهنده است، بلکه این احساس تنهایی است که دمار از روزگارت در می‌آورد. اگر او را که همیشه با تو هست و خواهد بود بشناسی و با او رفیق شوی، هرگز احساس تنهایی نمی‌کنی.



است که با یاری خواستن از او، خیالت راحت است که حداقل به تو بی‌عرضه نمی‌گوید.

و اگر کمکی به تو کرد، با منت کارش را خراب نمی‌کند. مهربانی‌های او دلت را آرام می‌کند و روحیه‌ات را افزایش می‌دهد. درد دل کردن با او آبرویت را حفظ می‌کند و می‌توانی مطمئن باشی که رازت را به هیچ کس نمی‌گوید. تو می‌دانی درباره‌ی چه کسی حرف می‌زنی. می‌دانم که تابه‌حال بارها و بارها با او حرف زده‌ای و حضورش را در زندگی‌ات حس کرده‌ای.

خدای مهربان همه‌ی این‌ها هست. او تنها کسی است که تنهایی‌هایت را چراغانی و دلت را پر از جشن و آرامش می‌کند.

پس، از تنهایی فرار نکن و ساعتی را بگذار تا با او تنها باشی. نیازی نیست دیگران بدانند در این خلوت‌های گاه به گاه با چه کسی حرف می‌زنی، یا با چه کسی درد دل می‌کنی. باور کن هیچ کس نیست که بگوید من بدون خدا هستم. شاید برای دل‌خوشی خودش این حرف را بزند، اما در خلوت خودش عاشقانه او را دوست دارد.

برای زیبا ساختن ساختمان وجودت به خدای مهربان نیاز داری. چون بهترین مشاور معماری ساختمان توست. گاهی می‌خواهی با او حرف بزنی، دلت را پاک می‌کنی دست و رویت را می‌شوئی وضو می‌گیری و می‌نشینی یک گوشه‌ای

و با او نیایش می‌کنی.

و گاهی که دلت می‌خواهد او با تو حرف بزند، چه چیزی بهتر از کتاب آسمانی؟ او در قرآن هر چه را که به نفع بنده‌هایش بوده، گفته است و تو از هر جای قرآن که شروع کنی مطمئن باش دستورالعمل مناسبی برای زندگی‌ات می‌یابی.

به قرآن که فکر کنی، می‌فهمی این کتاب را رسولی از جانب خداوند برای ما آورده است. گاهی ارتباط قلبی با رسول خداوند می‌تواند ساختمان درونی‌ات را زیباتر کند. وقتی رسول اکرم (ص) از دنیا می‌رفتند، فرمودند: «من شما را ترک می‌کنم، اما دو امانت نزد شما می‌گذارم که اگر به آن‌ها تکیه کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید. و آن دو چیز کتاب

خدا و خاندان من است.»

خاندان رسول خدا هم امامان ما هستند؛ بهترین یاوران ما در زندگی که دوست داشتن آن‌ها در زیبا شدن زندگی ما نقش دارد.

تو هنوز روی پل نوجوانی هستی. علاوه بر دوستانت، به کسانی نیاز داری که کمک کنند زندگی بهتری برای خودت بسازی و یاری‌ات کنند به راحتی و سلامت از روی این پل بگذری.

بخوانیم

۱۸ قطعه شعر این کتاب موضوعات تنهایی، آشنایی، نگرش مثبت، صلح جهانی، مثبت‌اندیشی و توجه به دیگران را توصیف می‌کند. تصاویر کتاب نیز رویکردی متفاوت به اشعار دارند و مخاطب را به تفکری نو و می‌دارد.

- مؤلف: مریم زندی
- ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- (تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۲۱۲۷۰)

